پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

شکّرسخن: شیرین زبان

گریستن: گریه کردن

دریافت: فهمید

زاری: گریه همراه با ناله

بند: اسارت

آموخت: یادداد



لحظه‌ای بعد، افتاد و مُرد.

بازرگان که دید طوطی شیرین‌زبان و شکّرسخن او از دست رفته است بر سر و سینه‌زنان، شروع به گریستن کرد؛ امّا وقتی دریافت که دیگر گریه و زاری، فایده‌ای ندارد، طوطی را از قفس بیرون آورد و از پنجره‌ی خانه به باغ انداخت؛ ولی طوطی بر زمین نیفتاد، بلکه شروع به پرواز کرد و روی شاخه‌ی درختی نشست.

بازرگان از این کار طوطی، تعجّب کرد؛ امّا طوطی که حالا از بند قفس آزاد شده بود با خوشحالی گفت: «ای خواجه، دوست من در هندوستان با آن کار خود، راهِ رهایی را به من آموخت.»

بازنویسی شده ازکتاب« مثنوی معنوی» مولوی



درست و نادرست

۱ سوغاتی بازرگان برای طوطی، آزادی از قفس بود. ✓

۲ طوطی‌ها از شنیدن حرف‌های بازرگان شادی کردند. ✗

